

## مقایسه سبک‌های هویت، خودپنداره بدنی و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر

سجاد علمردانی صومعه<sup>۱</sup>

سجاد بشرپور<sup>۲</sup>

فاطمه قربانی<sup>۳</sup>

آزاده عباسی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۳

### چکیده

روابط دوستی قبل از ازدواج با جنس مخالف یکی از آسیب‌های اجتماعی است که در سال‌های اخیر گسترش زیادی داشته است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های هویت، خودپنداره بدنی و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر با و بدون دوست پسر انجام گرفت. روش این پژوهش علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دختر دانشگاه محقق اردبیلی بود. تعداد ۳۰ نفر از دانشجویانی که طبق گزارش خود دارای دوست پسر بودند به صورت تصادفی چند مرحله‌ای و تعداد ۳۰ نفر نیز به تصادف از بین جامعه دانشجویان عادی به عنوان گروه مقایسه انتخاب و در پژوهش حاضر شرکت کردند. داده‌های جمع‌آوری شده نیز با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری تحلیل شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات دانشجویان دختر دارای دوست پسر در متغیرهای جهت‌گیری مذهبی، درونی، هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد پایین‌تر از گروه عادی بود ولی در متغیرهای ظاهر بدنی، انعطاف بدنی، عزت نفس و هویت سردرگم به طور معناداری بالاتر از گروه عادی می‌باشد ( $p < 0/05$ ). پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نقص در هویت‌یابی، نارضایتی از تصویر بدنی و فقدان جهت‌گیری مذهبی درونی می‌تواند در شکل‌گیری این آسیب اجتماعی نقش داشته باشد.

**کلید واژه‌ها:** سبک‌های هویت، خودپنداره بدنی، نگرش مذهبی، دانشجویان دختر

<sup>1</sup> کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) s\_a\_s139@yahoo.com

<sup>2</sup> دکتری روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

<sup>3</sup> کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه محقق اردبیلی

<sup>4</sup> کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه محقق اردبیلی

## مقدمه

روابط دوستانه‌ی دختران و پسران نوجوانان و جوان، بدون در نظر گرفتن ابعاد شرعی یا توجه اندک به آن، پدیده‌ای است که عمومیت یافتن و حرکت به سوی هنجار شدن آن را، با اندکی توجه و دقت نظر می‌توان در فضای عینی تعامل اجتماعی مشاهده کرد (قاسمی، ۱۳۸۳). در رویکرد نوگرایانه روابط دختر و پسر موضوعی فردی و خصوصی است که با پذیرش دوطرف صورت می‌گیرد و نمی‌توان به آن وارد شد، حتی اگر شرع آن را نپذیرد. اما باز گذاشتن تعاملات بین دو جنس و خصوصی دانستن آن همواره راه را برای روابطی باز خواهد گذاشت که پیامدهای آن در درازمدت به سود یک جامعه سالم نخواهد بود. چه بسا که جامعه جهانی نیز درگیر پیامدهای منفی روابط آزاد جنسی، مانند همجنس‌گرایی، خودارضایی، روابط جنسی مجازی و مانند آن می‌باشد، که شکل روابط جنسی بهنجار و طبیعی را به سوی بی‌راهه‌های جنسی کشانده است (رجبلو و اصغری، ۱۳۸۹).

دوستی با همسالان نقش مهمی در اجتماعی شدن فرد دارد و می‌تواند فرایند هویت‌یابی فرد را تسهیل کند. اما دوستی با جنس مخالف در دوره نوجوانی و جوانی یکی از بحث‌های چالش‌انگیز اجتماعی در جامعه ما بوده است. در این نوع دوستی، دو نفر از جنس متفاوت به تجاربی دست می‌یابند که در دوستی با همجنسان خود تجربه نمی‌کنند. در سال‌های اخیر که با دگرگونی‌های اجتماعی و ساختی نظیر گسترش شهر نشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، گسترش مکان‌های هم‌حضوری زنان و مردان و گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی این پدیده به شکی نو ظهور و از بطن روابط بین شخصی جوانان جامعه پدید آمده است. بگونه‌ای که تحقیقات انجام شده در این زمینه از خواست و میل جوانان برای داشتن چنین معاشرت‌هایی حکایت می‌کند (عبدالهیان، ۱۳۸۳؛ احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳).

یکی از عواملی که به نظر می‌رسد با روابط دوستی با جنس مخالف ارتباط داشته باشد، هویت‌یابی<sup>۱</sup> است. مطالعات پیشگام اریکسون<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) هویت‌یابی را به عنوان فرایندی مفهوم‌سازی کرد که در دوره نوجوانی به طور قابل توجهی فعال می‌شود و تا دوره بزرگسالی ادامه می‌یابد (کریستوفر کریبن<sup>۳</sup>، ۱۳۸۴). مارسیا<sup>۴</sup> (۱۹۶۶) برای عملیاتی کردن مرحله هویت‌یابی در برابر سردرگمی هویت نظریه

1. Identity

2. Erikson

3. Cristofer creen

4. Marcia

اریکسون دو بعد بنیادین رشد هویت را اکتشاف<sup>۱</sup> و تعهد<sup>۲</sup> دانست. اکتشاف به کاوش فعالانه اطلاعاتی در خصوص سبک‌های زندگی، باورها و ارزشهای جانبی دیگر گفته می‌شود و تعهد نیز شامل تلاشهایی برای اتخاذ احتمالاتی است که به طور بهتری با شخصیت فرد تناسب داشته و بکارگرفتن این تصمیمات در زمینه‌های مختلف زندگی می‌باشد. بر اساس این دو بعد، مارسیا چهار سبک هویت کسب شده<sup>۳</sup> (اکتشاف بالا و تعهد بالا)، تعلیق هویت<sup>۴</sup> (اکتشاف بالا، تعهد پایین)، مختومه شدن<sup>۵</sup> (اکتشاف پایین، تعهد بالا) و سردرگمی هویت<sup>۶</sup> (اکتشاف پایین، تعهد پایین) را معرفی کرد. شواهد پژوهشی تطبیقی‌پذیری و سودمندی مدل جایگاه هویت در پیش‌بینی سازگاری و ناسازگاری را آشکار ساخته است (گراجر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵).

سیفجی-کرنکی، شولمن و کلیسینجر<sup>۸</sup> (۲۰۰۱) در یک مطالعه طولی دریافته‌اند تشکیل یک هویت مجزا در ۱۷ سالگی و سواس‌های ارتباطی کمتر، جذابیت جنسی و عشق در نگاه اول و ترس از صمیمیت در ۲۰ سالگی را پیش‌بینی می‌کند. در مطالعه طولی دیگری، بیبرز و سیفجی-کرنکی<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) نشان دادند که بین رشد هویت در نوجوانی و صمیمیت در اوایل بزرگسالی ارتباط وجود دارد. آرسیت، کروجر، مارتینوسن<sup>۱۰</sup> و مارسیا (۲۰۰۹) در فراتحلیل ۱۴ مطالعه دریافته‌اند که سبک دلبستگی ایمن با سبک‌های هویت کسب شده و مختومه ارتباط مثبت ولی با سبک‌های هویت تعلیقی و سردرگم/اجتناب ارتباط منفی دارد. دوماس، الیس و وولفی<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۲) نشان دادند که تعهد هویت، سپری در برابر استفاده از مواد و اکتشاف هویت نیز به عنوان سپری در برابر انحراف عمومی می‌باشد، در این مطالعه، در گروه‌های همسال کنترل‌گر، نوجوانان با تعهد هویتی بیشتر به رفتارهای پرخطر کمتری در مقایسه با افراد با تعهد هویتی کمتر می‌پرداختند. کلیس، لیوکس و بیجتیبیئر<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۴) نشان دادند که رفتارهای خود آسیب زنی غیرکشی‌گرایانه با به هم پیوستگی هویت ارتباط منفی ولی

<sup>1</sup>. Exploration

<sup>2</sup>. Commitment

<sup>3</sup>. Identity gained

<sup>4</sup>. Identity suspension

<sup>5</sup>. Turbulency

<sup>6</sup>. Confusion of identity

<sup>7</sup>. Kroger

<sup>8</sup>. Seiffge-Krenke, Shulman, and Klessinger

<sup>9</sup>. Beyers and Seiffge-Krenke

<sup>10</sup>. Arseth, Kroger, Martinussen

<sup>11</sup>. Dumas, Ellis, & Wolfe

<sup>12</sup>. Claes, Luyckx, Bijttebier

با افسردگی و سردرگمی هویت ارتباط مثبت دارد. در این مطالعه سردرگمی هویت توانست به صورت معنی داری رفتارهای خود آسیب زنی را پیش بینی نماید.

ادراک فرد از خودپنداره بدنی<sup>۱</sup> یا خودپنداره جسمانی عامل دیگری است که می‌تواند روابط صمیمی فرد با دیگران را تحت تاثیر قرار دهد. خودپنداره از اساسی‌ترین عوامل رشد شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان است. خودپنداره عموماً به عنوان آگاهی فرد از ویژگی‌ها، خصوصیات و محدودیت‌های شخصی تلقی می‌شود و دارای یک ساختار چند بعدی است که می‌توان آن را به دو سطح تحصیلی و غیرتحصیلی تقسیم کرد. خودپنداره تحصیلی شامل مباحث تخصصی از خودپنداره است که مربوط به زمینه‌های درسی فرد می‌شود مانند ریاضی، و زبان انگلیسی. خودپنداره غیرتحصیلی نیز به سطوح اجتماعی، عاطفی و بدنی تقسیم می‌شود. هر کدام از این سطوح نیز به نوبه خود دارای زیرمجموعه‌هایی هستند مثلاً خودپنداره بدنی از توانایی بدنی و ظاهر بدنی تشکیل شده است و به نگرش فرد نسبت به بدن خود اطلاق می‌شود. خودپنداره بدنی و واژه‌های مترادف با آن، به صورت‌های متعددی تعریف شده‌اند و تعاریف ارائه شده کمابیش مشابه هستند. شاولسون، هوبنر و استنتن<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) خودپنداره بدنی را ادراک فرد از خود تعریف کرده‌اند که از طریق تجربه و تفسیر او از محیطش در ارتباط با بدنش شکل می‌گیرد (کلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). نتایج تارانت، مکینزی و هویت<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) که بر روی ارزیابی ذهنی نوجوانان از روابط با همسالان و درک درست فرایندهای اجتماعی متمرکز بود نشان داد که از آن جایی که در دوره نوجوانی گرایش و تأثیر پذیری از گروه همسالان بیشتر از سایر گروه‌های سنی است، چنین احساسات و نگرش‌های منفی از خود، نوجوان را به سمت گروه‌های انحرافی و دوستی‌های ناباب، روابط جنسی خطرناک، کشیدن سیگار و مصرف مشروبات الکلی، جهت تقلیل آشفته‌گی‌های روحی یاد شده، سوق می‌دهد (فیرون<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۹؛ گادبویس، باکر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ سالازار<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). فارار، استوپا و ترنر<sup>۸</sup> (۲۰۱۵) نشان دادند که داشتن خود انگاره منفی در ذهن بر عزت نفس آشکار تأثیر منفی دارد، در حالیکه داشتن خود انگاره مثبت دارای تأثیرات مثبت می‌باشد، نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که خودپنداره منفی در ذهن منجر به کاهش رضایت

<sup>۱</sup>. Physical Self-Concept

<sup>۲</sup>. Shavelson, Hubner & Stanton

<sup>۳</sup>. Kelly

<sup>۴</sup>. Tarrant, MacKenzie & A Hewitt

<sup>۵</sup>. Ferron

<sup>۶</sup>. Gadbois S, Bowker

<sup>۷</sup>. Salazar

<sup>۸</sup>. Farrar, Stopa & Turner

بدنی و عاطفه حالتی می‌شود. واتر، شرودر-آبی، ویبجربر، روپکی و شوترز<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) نشان دادند که بیماران مبتلا به شخصیت مرزی در مقایسه با گروه‌های کنترل غیر بالینی و یک گروه افسرده ساختار خودپنداره تقسیم شده<sup>۲</sup> و میزان بالایی از خود ارزیابی‌های منفی دارند.

گسترش روابط دوستی با جنس مخالف در دختران و پسران جوان در حالی است که چنین روابطی در فرهنگ و دین اسلام مخالف موازین شرعی بوده و حرام می‌باشد. با توجه به اینکه جامعه ایران بر مبنای چارچوب‌های دینی استوار می‌باشد، داشتن یا نداشتن چنین روابطی می‌تواند تحت تأثیر جهت‌گیری مذهبی فرد قرار گیرد. مطالعات نشان می‌دهند که مذهبی بودن با رفتارهای خطرناکی چون سوء استفاده سنگین از الکل و سایر مواد، فعالیت جنسی ناهنگام و زودرس و مجرمیت در نوجوانان و افراد بزرگسال رابطه منفی داشته است (باری و نلسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ سینها، کنان و جیلس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). هورنینگ<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۱) با مقایسه افراد مذهبی و غیر مذهبی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای اندیشه‌های مذهبی بالا سطوح پایداری از معنا در زندگی و همچنین میزان بالایی از حمایت اجتماعی نسبت به گروه غیر مذهبی دارند. اولسون<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که مقابله مذهبی مثبت به طور معنی‌داری با سلامت بهتر همراه بوده و پیش‌بینی کننده آن می‌باشد، بر عکس مقابله مذهبی منفی با نمرات پایین سلامت روانی همراه می‌گردد.

نتایج کرمی و همکاران (۱۳۸۶) نشان داد که دو بعد جهت‌گیری مذهبی یعنی پای‌بندی به عقاید و مناسک و پای‌بندی به اخلاقیات با تمام ابعاد سلامت روانی یعنی شکایات جسمانی، اضطراب، افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی رابطه منفی دارد. عنایت و آقاپور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بررسی عامل‌های اجتماعی- فرهنگی مرتبط با کیفیت سلامت روانی خانواده نشان دادند که رابطه معنی‌داری بین متغیرهای سن، جنس، درآمد، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، بعد خانوار، سرمایه اجتماعی، جهت‌گیری مذهبی و عزت نفس با سلامت روانی خانواده وجود دارد که از بین این متغیرها جهت‌گیری مذهبی قوی‌ترین پیش‌بینی کننده کیفیت سلامت روانی خانواده بود.

در مجموع، مرور شواهد موجود نشان می‌دهد که ظهور شرایط جدید زندگی باعث نزدیکی بیشتر دختران و پسران شده و زمینه دوستی‌های آنها را افزایش داده است. با توجه به اینکه، اقدام به چنین

<sup>1</sup>. Vater, Schrboder-Abe, Weißgerber, Roepke & Schütz

<sup>2</sup>. Compartmentalized

<sup>3</sup>. Barry & Nelson

<sup>4</sup>. Sinha, Cnaan & Gelles

<sup>5</sup>. Horning

<sup>6</sup>. Olson

دوستی‌هایی با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ما در تعارض قرار دارد می‌توان گفت که همه افراد به راحتی به چنین روابطی اقدام نخواهند کرد و در این میان باید نقش عوامل روان‌شناختی را مهم دانست. در راستای شناسایی عوامل مؤثر در چنین دوستی‌هایی پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های هویت، خودپنداره جسمانی و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر با و بدون دوست پسر انجام گرفت.

### روش شناسی پژوهش

با توجه به هدف این پژوهش مبنی بر مقایسه سبک‌های هویت، خودپنداره بدنی با جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر با و بدون دوست پسر، روش این پژوهش علی-مقایسه‌ای می‌باشد. کلیه دانشجویان دختر دانشگاه محقق اردبیلی (حدود ۶۵۰۰ نفر) در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان دختر که به گزارش خود دارای دوست پسر بودند و تعداد ۳۰ نفر از دانشجویانی که دوست پسر نداشتند به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای جهت مقایسه به عنوان نمونه این مطالعه انتخاب و در پژوهش حاضر شرکت کردند. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از ابزارهای زیر استفاده شد. همچنین برای اجرای این پژوهش بعد از اخذ مجوز از معاونت دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی از بین تعداد کل خوابگاه‌های دانشجویی دخترانه دانشگاه محقق اردبیلی، تعداد ۳ خوابگاه به تصادف انتخاب و سپس از هر خوابگاه به تصادف تعداد ۴ اتاق انتخاب و بعد از مراجعه به اتاق‌ها تعداد ۳۰ نفر دانشجوی دختر که به گزارش خود دارای رابطه دوستی با جنس مخالف بودند و تعداد ۳۰ نفر نیز که دارای رابطه دوستی با جنس مخالف نبودند، انتخاب شدند. بعد از تبیین اهداف پژوهش از آنها خواسته شد به پرسشنامه‌های سبک‌های هویت، خودپنداره بدنی و جهت‌گیری مذهبی پاسخ دهند. لازم به توضیح است که ملاک عضویت گروهی نیز بلی یا خیر دادن به سوال مربوط به داشتن رابطه دوستی در یک سال اخیر بود. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) و نرم افزار SPSS17 تحلیل شد.

پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی<sup>۱</sup> آلپورت: این پرسش‌نامه توسط آلپورت<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۰ ساخته شده و مشتمل بر ۲۰ سؤال است که ۱۱ سؤال آن جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ سؤال آن جهت‌گیری

<sup>۱</sup>. Religious orientation questionnaire

مذهبی درونی را بر اساس یک مقیاس لیکرت ۵ نقطه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) اندازه می‌گیرد. آلپورت همبستگی واگرایی بین ماده‌های جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی را  $0/21$  گزارش کرد (آلپورت، ۱۹۶۸). این پرسش‌نامه توسط جان بزرگی (۱۳۷۸) ترجمه شده و همسانی درونی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ  $0/71$  و پایایی باز آزمایی آن  $0/74$  محاسبه شده است و مقیاس آن فاصله ای می‌باشد (آرین، ۱۳۷۸). همچنین ضریب آلفای کرونباخ پژوهش حاضر در پرسشنامه‌ی جهت‌گیری مذهبی  $0/68$  به دست آمد.

پرسشنامه خودتوصیفی بدنی<sup>۲</sup>: به منظور ارزیابی خودپنداره بدنی از پرسشنامه خودتوصیفی بدنی استفاده شد. در این پرسشنامه نمره بالا در زیرمؤلفه‌های آن نشان دهنده‌ی خودپنداره‌ی بهتر است و فرد دارای سلامت روان می‌باشد و برعکس. این پرسش‌نامه وضعیت افکار، احساسات و گرایش‌های فرد را نسبت به بدن خود نشان می‌دهد. این پرسش‌نامه را مارش<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۴ تهیه کرده است. پرسش‌نامه حاوی ۷۰ سؤال است که هر سوال بین ۱-۶ نمره گذاری می‌شود. این پرسش‌نامه در ایران توسط بهرام و شفیع زاده (۱۳۸۳) ارزیابی شده است. همچنین این پرسشنامه در مطالعه تکمیلی دیگری توسط عبدالملکی، بهرام، صالح صدق پور و عبدالملکی (۱۳۸۹) مورد اعتباریابی و پایایی قرار گرفته است. اعتبار این پرسش‌نامه به صورت تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی محاسبه شده است که هشت عامل خودپنداره بدنی (لیاقت ورزشی، چربی بدنی، ظاهر بدنی، انعطاف پذیری، سلامتی، فعالیت بدنی، هماهنگی و عزت نفس) را شناسایی و تأیید کردند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۸۹). پایایی این ابزار توسط مارش (۱۹۹۴) با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است که ضریب پایایی آن  $0/85$  است. همچنین پایایی این پرسش‌نامه در ایران در پژوهش بهرام و شفیع زاده (۱۳۸۳) از طریق روش بازآزمایی و محاسبه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) به ترتیب برابر با  $0/78$  و  $0/88$  و پژوهش عبدالملکی و همکاران (۱۳۸۹) به روش آلفای کرونباخ  $0/87$  به دست آمد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ پژوهش حاضر در پرسشنامه‌ی حاضر  $0/77$  به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های هویت<sup>۴</sup>: پرسشنامه سبک‌های هویت اولین بار به وسیله بروزنسکی<sup>۵</sup> (۱۹۸۹) ساخته شد و سپس دوباره توسط خود او مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسشنامه ۴۰ آیتم دارد که

<sup>1</sup>. Allport

<sup>2</sup>. Self-descriptive questionnaire

<sup>3</sup>. Marsh

<sup>4</sup>. Identity Styles Questionnaire

<sup>5</sup>. Berzonsky

۱۱ آیتم آن در ارتباط با سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ آیتم آن در ارتباط با سبک هویت آشفته/اجتنابی و ۹ آیتم آن مربوط به سبک هویت هنجاری است. علاوه بر سه سبک ۱۰ آیتم نیز در ارتباط با تعهد هویت است. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای تنظیم شده است. برزنوسکی (۱۹۹۲) آلفای کرونباخ ۰/۶۲ را برای سبک هویت اطلاعاتی و آلفای ۰/۶۶ را برای سبک هویت هنجاری و آلفای ۰/۷۳ را برای سبک هویت معشوش/اجتنابی گزارش کرد. وایت<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۸) برای نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه سبک هویت، آلفای کرونباخ ۰/۵۹ و ۰/۶۴ و ۰/۷۸ را برای سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و معشوش/اجتنابی و آلفای ۰/۷۶ را برای تعهد هویت به دست آوردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ پژوهش حاضر در پرسشنامه‌ی جهت گیری مذهبی ۰/۷۷ به دست آمد.

### یافته‌های پژوهش

تعداد ۳۰ دانشجوی دختر دارای دوست پسر و ۳۰ دانشجوی دختر بدون دوست پسر در این پژوهش شرکت کردند که میانگین و انحراف استاندارد سنی آنها به ترتیب ۲۵/۳۲ (۲/۴۵) و ۲۴/۷۶ (۲/۴۴) گزارش شد. جدول ۱ نتایج آزمون لامبدای ویلکز را نشان می‌دهد که اثر گروه بر ترکیب مولفه‌های متغیرهای وابسته معنادار است.

جدول ۱- نتایج آزمون‌های معناداری MANOVA اصلی متغیر گروه بر متغیرهای وابسته

متغیر	آزمون	ارزش	F	P
پیلایی- بارتلت	۰/۸۳	۱۴	۰/۰۰۱	
لامبدای ویلکز	۰/۱۸	۱۴	۰/۰۰۱	
اثر هتلینگ	۴/۸۱	۱۴	۰/۰۰۱	
بزرگترین ریشه روی	۴/۸۱	۱۴	۰/۰۰۱	

<sup>۱</sup>. White



جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و تحلیل واریانس آزمودنی‌ها در متغیر سبک‌های هویت، خودپنداره بدنی و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر با و بدون دوست پسر

متغیرها	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر
اطلاعات	دارای دوست پسر	۳۴/۷۶	۳/۹۶	۴۳۷/۴۰	۱	۴۳۷/۴۰	۲۹/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۵۲
	بدون دوست پسر	۴۰/۱۶	۳/۷۶						
هنجاری	دارای دوست پسر	۲۹/۱	۳/۸۶	۱۰۹/۳۵	۱	۱۰۹/۳۵	۷/۲۱	۰/۰۰۹	۰/۴۵
	بدون دوست پسر	۳۱/۸	۳/۹۲						
سردرگم	دارای دوست پسر	۳۵/۰۶	۳/۳۴	۸۴/۰۱	۱	۸۴/۰۱	۶/۲۶	۰/۰۱	۰/۳۲
	بدون دوست پسر	۳۲/۷	۳/۹۵						
تعهد	دارای دوست پسر	۲۹/۳۰	۰/۵۹	۳۶۵/۰۶	۱	۳۶۵/۰۶	۲۶/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۶۲
	بدون دوست پسر	۳۴/۲۴	۰/۶۳						
خودپنداره بدنی	دارای دوست پسر	۱۶/۶۷	۱/۹۱	۱۶۰ ۲۶۱۳	۱	۲۶۱۳/۶۰	۱۰/۶۶	۰/۰۰۲	۰/۶۱
	بدون دوست پسر	۱۵/۶۶	۱/۷۷						
جهت‌گیری درونی	دارای دوست پسر	۳۸/۲۳	۶/۲۶	۱۶۴/۳۷	۱	۱۶۴/۳۷	۴/۵۶	۰/۰۰۳	۰/۲۱
	بدون دوست پسر	۴۱/۵۳	۵/۷						
جهت‌گیری بیرونی	دارای دوست پسر	۲۱/۷۰	۳/۳۹	۳۷/۵۰	۱	۳۷/۵۰	۰/۳۳	۰/۵۲	۰/۱۹
	بدون دوست پسر	۲۱/۲۰	۳/۳۳						

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین نمرات دو گروه از دانشجویان دختر دارای دوست پسر و بدون دوست پسر در متغیر هویت اطلاعاتی ( $F = ۲۹/۳۱$ ،  $p < ۰/۰۰۱$ )، هویت هنجاری ( $F = ۷/۲۱$ ،  $p < ۰/۰۰۹$ )، هویت سردرگم ( $F = ۶/۲۶$ ،  $p < ۰/۰۱$ )، تعهد ( $F = ۲۶/۸۸$ ،  $p < ۰/۰۰۱$ )، خودپنداره بدنی ( $F = ۱۰/۶۶$ ،  $p < ۰/۰۰۲$ ) و جهت‌گیری درونی ( $F = ۴/۵۶$ ،  $p < ۰/۰۳$ ) وجود دارد. ولی در متغیر جهت‌گیری بیرونی ( $F = ۰/۳۳$ ،  $p < ۰/۵۲$ ) تفاوت آماری معناداری بین میانگین نمرات دو گروه مشاهده نشد.

جدول ۳\_ میانگین، انحراف معیار و تحلیل واریانس نمرات آزمودنی‌ها در مؤلفه‌های خودپنداره بدنی و نتایج آزمون مانوا برای مقایسه معنی‌داری تفاوت بین آنها

متغیرها	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر
لیاقت ورزشی	دارای دوست پسر	۴۷/۹۱	۱۰/۶۹	۳۳۱/۳۵	۱	۳۳۱/۳۵	۲/۴۵	۰/۱۲	۰/۲۵
	عادی	۴۳/۲۱	۱۲/۵۲						
چربی بدنی	دارای دوست‌پسر	۲۱/۸۷	۵/۲۲	۲۰/۱۷	۱	۲۰/۱۷	۰/۰۹	۰/۷۳	۰/۱۸
	بدون دوست پسر	۲۱/۵۱	۴/۵۶						
ظاهر	دارای دوست‌پسر	۲۶/۷۱	۲/۴۸	۸۴/۰۱	۱	۸۴/۰۱	۱۲/۸۶	۰/۰۰۱	۰/۴۵
	بدون دوست پسر	۲۴/۳۴	۲/۶۴						
انعطاف پذیری	دارای دوست‌پسر	۲۴/۹۴	۱/۹۹	۲۰/۱۶۶	۱	۲۰/۱۶۶	۲۷/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۴
	بدون دوست پسر	۲۱/۲۷	۳/۲۹						
سلامتی	دارای دوست‌پسر	۱۷/۳۱	۴/۱۶	۲۰/۴۱	۱	۲۰/۴۱	۰/۸۸	۰/۳۵	۰/۴۶
	بدون دوست پسر	۱۸/۴۷	۵/۴۰						
فعالیت بدنی	دارای دوست‌پسر	۲۰/۸۶	۳/۶۸	۱۱/۲۶	۱	۱۱/۲۶	۱/۰۱	۰/۳۲	۰/۲۳
	بدون دوست پسر	۲۰	۲/۹۳						
هماهنگی	دارای دوست‌پسر	۱۶/۸۶	۲/۱۴	۴۲/۶۷	۱	۴۲/۶۷	۰/۸۸	۰/۴۸	۰/۱۸
	بدون دوست پسر	۱۶/۳۳	۲/۲۷						
عزت نفس	دارای دوست‌پسر	۱۴/۶۳	۲/۵۱	۵۲/۲۶	۱	۵۲/۲۶	۹/۲۴	۰/۰۰۴	۰/۲۹
	بدون دوست پسر	۱۲/۷۶	۲/۲۳						

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین نمرات دو گروه دانشجویان دارای دوست پسر و بدون دوست پسر در متغیر ظاهر ( $F=12/86$ ،  $p < 0/001$ )، انعطاف-پذیری ( $F=27/35$ ،  $p < 0/001$ )، عزت‌نفس ( $F=9/24$ ،  $p < 0/004$ ) وجود دارد. ولی در متغیرهای لیاقت ورزشی ( $F=2/45$ ،  $p < 0/12$ )، چربی بدنی ( $F=0/09$ ،  $p < 0/73$ )، سلامتی ( $F=0/88$ )، فعالیت بدنی ( $F=1/01$ ،  $p < 0/32$ )، هماهنگی ( $F=0/88$ ،  $p < 0/48$ ) تفاوت آماری معناداری بین میانگین نمرات دو گروه مشاهده نشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

روابط پسران و دختران پیش از ازدواج همواره موضوعی مهم و با این حال پوشیده از ابهام و همراه با شک و تردید و اضطراب بوده است. از طرفی فشارها و تنش‌های غریزی باعث می‌شود که نوجوانان خود به خود به سمت جنس مخالف گرایش پیدا کنند و از طرف دیگر ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی به عنوان موانعی سر راه آنان عمل کرده‌اند. این حالت‌های متضاد و متناقض در جامعه همواره برای نوجوانان و جوانان و همچنین اولیا و مسئولان آموزش و پرورش مساله ساز و بفرنج بوده و وضعیت نامعلوم و سردرگمی را از لحاظ نحوه‌ی کنار آمدن با این مشکل ایجاد کرده است (کوثری، ۲۰۰۴). با توجه به اهمیت این موضوع پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های هویت، خودپنداره بدنی و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر با و بدون دوست پسر انجام گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که بین دو گروه تفاوت معناداری در هویت‌یابی و مؤلفه‌های آن وجود دارد؛ بدین صورت که میانگین نمرات دانشجویان دختر دارای دوست پسر در متغیرهای هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و میزان تعهد پایین‌تر از دانشجویان بدون دوست پسر ولی در هویت سردرگم بالاتر بود. این نتایج به طور غیر مستقیم با نتایج بیبرز و سیفجی-کرنکی (۲۰۱۰)، دumas و همکاران (۲۰۱۲)، کلیس و همکاران (۲۰۱۴) در ارتباط با پیامدهای مثبت داشتن یک سبک هویتی سالم همسو می‌باشد. تقریباً همان زمانی که نوجوانان مشغول فرایند تشکیل هویت هستند، ممکن است در روابط عاشقانه نیز درگیر شوند و از این روابط به عنوان وسیله‌ای برای دست‌یابی به هویت استفاده کنند. در بطن روابط رمانتیک، نوجوانان روشهای متفاوت بودن و رفتار کردن را تجربه کرده و چیزهای جدید را درباره خود به عنوان فردی مجزا از دیگران و خانواده اصلی خود کشف می‌کنند. ولی از آنجا که اقدام به چنین روابطی با معیارها و هنجارهای فرهنگی جامعه ما ناهمخوان بوده و می‌تواند باعث ایجاد

آسیب‌هایی در فرد شود، معمولاً افرادی که با اکتشاف عوامل دیگر و تعهد به آنها از قبل فرایند هویت یابی را طی نموده‌اند، و به اصول شخصی مشخصی پای بند می‌باشند، کمتر در چنین روابطی خود را درگیر می‌سازند. ولی نوجوانانی که هنوز در سردگمی هویت هستند، چون از قبل به اصول و معیارهای شخصی خود دست نیافته‌اند بیشتر احتمال دارد که به دوستی با جنس مخالف اقدام کنند.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بین دو گروه تفاوت معناداری در خودپنداره بدنی و مؤلفه‌های آن وجود دارد، بدین صورت که میانگین نمرات دانشجویان دارای دوست پسر در مقایسه با دانشجویان بدون دوست پسر در مؤلفه‌های ظاهر، انعطاف‌پذیری و عزت‌نفس بالاتر است و به تبع آن خودپنداره بدنی بهتری دارند. این نتیجه به طور غیر مستقیم با نتایج پژوهش‌های کلی (۲۰۰۴)، تارانت و همکاران (۲۰۰۶)، گادبویس، باکر (۲۰۰۷) و سالازار و همکاران (۲۰۰۴)، واتر و همکاران (۲۰۱۵)، فارار و همکاران (۲۰۱۵) مبنی بر ارتباط مثبت خود پنداره با سلامت روانی و اجتماعی می‌باشد، همسو است. خودپنداره بدنی نشانگر خود توصیفی و ادراک فرد از وضعیت و شکل اندام و بدن خود می‌باشد که می‌تواند نتایج مختلفی را بر ذهن و روان افراد بگذارد. این ادراک یکی از اساسی‌ترین مواردی است که موجبات رشد شخصیت سالم را در افراد فراهم می‌آورد. این نتایج همسو با نتایج مطالعاتی است که بیان می‌کنند خود طرحواره‌های مرتبط با بدن بر چگونگی پاسخ‌دهی فرد در موقعیت‌های متنوع خصوصی و عمومی تأثیر می‌گذارند (کاش، ملنیک و هابوسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، کاش، سانتوس و ویلیامز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). مطابق نظریه ابراز شدگی<sup>۳</sup> (فریدریکسون و رابرتس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷)، جامعه پذیری نقش جنسیتی و تجارب زندگی ابزار شدن باعث شده است زنان خودشان را به عنوان یک شیء در نظر گرفته و برای داشتن یک بدن ایده‌آل به هر صورتی عمل کنند. همسو با نتایج این مطالعه می‌توان گفت دخترانی که از خودپنداره بدنی پایینی برخوردارند به احتمال بیشتری ممکن است با درگیری در روابط دوستی با جنس مخالف در صدد جبران این ادراک از خود باشند و زمینه را برای ظهور و بروز آسیب‌های بعدی تسهیل و تسریع کنند.

نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که افراد بدون دوست دختر در جهت‌گیری مذهبی درونی نمرات بالاتری کسب کردند. ولی در جهت‌گیری مذهبی بیرونی تفاوتی بین دو گروه یافت نشد. این

<sup>1</sup>. Cash, Melnyk & Hrabosky

<sup>2</sup>. Santos & Williams

<sup>3</sup>. Objectification theory

<sup>4</sup>. Fredrickson & Roberts

یافته‌ها به صورت غیر مستقیم همسو با نتایج باری و نلسون (۲۰۰۵)، سینها و همکاران (۲۰۰۷)، هورنینگ و همکاران (۲۰۱۱)، اولسون و همکاران (۲۰۱۲)، کرمی و همکاران (۱۳۸۶) و عنایت و آقاپور (۱۳۸۹) در ارتباط با تأثیرات مثبت جهت‌گیری مذهبی بر سلامتی روانی و اجتماعی می‌باشد. جهت‌گیری مذهبی درونی ساختارمند، دارای اصول سازمان‌یافته و نهادینه شده است که در خدمت ارضای سابق درونی انسان برای رسیدن به حقیقت وجودی خویش و جستجوی آن است در حالی که مذهب نمایشی در خدمت ارضای نیازهای بیرونی چون مقام و امنیت و غیره می‌باشد. بر این اساس مذهب درونی شده و ساختارمند می‌تواند به عنوان یک عامل حفاظتی در برابر تکانه فرد برای برقراری رابطه با جنس مخالف شود و فرد را از آسیب‌های اجتماعی از جمله همین پدیده دور نگه دارد.

در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت معناداری در سبک‌های هویت، خودپنداره بدنی و جهت‌گیری مذهبی درونی دو گروه از دانشجویان دختر با و بدون دوست پسر وجود دارد. این امر زیر ساخت‌های روان‌شناختی رابطه دوستی با جنس مخالف را آشکار می‌سازد. استفاده از نمونه دانشجویی، استفاده از پرسشنامه خود گزارشی برای تعیین عضویت گروهی، و ناتوانی در کنترل برخی متغیرهای مزاحم محدودیت‌های عمده مطالعه حاضر بودند. نتایج این مطالعه کمک به فرایند هویت‌یابی در دوره نوجوانی، تقویت خودپنداره بدنی و لزوم آموزش‌های لازم برای ادراک مناسب از خودپنداره و پرورش جهت‌گیری مذهبی درونی برای پیش‌گیری از آسیب‌های روانی مرتبط با داشتن رابطه دوستی با جنس مخالف را پیشنهاد می‌کند.

نمونه کم به دلیل حساسیت به ویژه مساله و عدم کنترل کامل شرایط و متغیرهای مزاحم از محدودیت‌های این پژوهش بودند. پیشنهاد می‌شود از نمونه‌های بزرگتر، کنترل متغیرهای مزاحم و شرایط همبود و شرایط مکانی مختلف استفاده شود. پژوهش کنونی می‌تواند مسئولان، برنامه‌ریزان و متخصصان حیطه‌های ذی ربط را به سمتی هدایت کند تا از متولیان امور از جمله روانشناسان، نهایت استفاده را در جهت راهنمایی، آموزش ارتقای سلامتی و بهزیستی روانی بکنند. بنابراین با تأکید بر اهمیت نقش این عوامل، لزوم اجرای تحقیقات گسترده‌تر با توجه بیشتر به مسایل فوق پیشنهاد می‌شود و ضرورت ایجاد زمینه‌های بیشتر حمایت اجتماعی از این افراد بیش از پیش احساس می‌شود.

## کتابنامه

- آرین؛ خدیجه (۱۳۷۸)، بررسی رابطه بین دینداری و روان درستی ایرانیان مقیم آمریکا، رساله ی دکترای، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- احمدنیا؛ شیرین، مهریار؛ هوشنگ (۱۳۸۳)، نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهران در زمینه همسرگزینی، فرزند آوری و تنظیم خانواده، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، با عنوان بررسی مسایل جمعیتی ایران بر تأکید بر جوانان، دانشگاه شیراز، انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۲۱۸-۱۹۷.
- بهرام؛ عباس، شفیق زاده؛ محسن (۱۳۸۳)، تعیین اعتبار و پایایی پرسش نامه خودپنداره و بررسی عوامل مؤثر بر آن در دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی شهر تهران، پژوهش‌کده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- جان بزرگی؛ مسعود (۱۳۷۸)، بررسی اثر بخشی روان درمانگری کوتاه مدت با و بدون جهت‌گیری مذهبی بر مهار اضطراب و تنیدگی، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- رجبلو؛ علی، اصغری؛ سارا (۱۳۸۹)، جهانی شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه موردی دانش جویان دانشگاه تهران. مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۸(۲)، صص ۹۲-۷۳.
- عبدالملکی؛ زهرا، بهرام؛ عباس، صالح صدق پور؛ بهرام، عبدالملکی؛ فاطمه (۱۳۸۹)، اعتباریابی و رواسازی پرسش نامه خود توصیفی بدنی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- عبدالهیان؛ حمید (۱۳۸۳)، ارزش سنت و بازتولید فرهنگی، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، با عنوان بررسی مسایل جمعیتی ایران بر تأکید بر جوانان، دانشگاه شیراز، انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۲۹۰-۲۵۵.
- عنایت؛ حلیمه، آقاپور؛ اسلام (۱۳۸۹)، بررسی عامل‌های اجتماعی- فرهنگی مرتبط با کیفیت سلامت روانی خانواده، فصلنامه زن و جامعه، ۱(۲)، صص ۴۶-۲۷.
- قاسمی؛ وحید (۱۳۸۳)، سنخ شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده رابط دوستانه دختر و پسر، مورد مطالعه: دانشگاه صنعتی اصفهان، مجله مطالعات جوانان، ۷، صص ۱۱۳-۹۰.
- کرمی؛ جهانگیر، روغنجی؛ محمود، عطاری؛ یوسفعلی؛ بشلیده؛ کیومرث، شکر؛ مهتاب (۱۳۸۶)، بررسی روابط ساده و چندگانه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه، مجله روان-شناسی و علوم تربیتی، ۱۳(۳)، صص ۵۲-۳۱.
- کریستوفر کرین؛ ویلیام (۱۳۸۴)، پیشگامان روانشناسی رشد، ترجمه ی فرید فدایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- Allport, G. (1968). *The person in psychology*. Boston, Beacon press.
- Arseth, A. K., Kroger, J., Martinussen, M., & Marcia, J. E. (2009). *Meta-Analytic Studies of Identity Status and the Relational Issues of Attachment and Intimacy. An International Journal of Theory and Research*, 9, 1-32.
- Barry, M. C., & Nelson, L. J. (2005). *The role of religion in the transition to adulthood for young emerging adults. Journal of Youth and Adolescence*, 34(3), 245-255.

Berzonsky, M. D. (1989). *Identity Style: Conceptualization aMeasurement*. *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.

Berzonsky, M. D. (1992). *Identity Style and Coping Strategis*. *Journal of Personality*, 60, 771-788.

Beyers, W., & Seiffge-Krenke, I. (2010). *Does identity precede intimacy? Testing Erikson's theory on romantic development in emerging adults of the 21<sup>st</sup> century*. *Journal of Adolescent Research*, 25, 387-415.

Cash, T.F., Melnyk, S., & Hrabosky, J. I. (2004). *The assessment of body image investment: An extensive revision of the Appearance Schemas Inventory*. *International Journal of Eating Disorders*, 35, 305-316.

Cash, T. F., Santos, M. T., & Williams, E. F. (2005) *Coping with body-image threats and challenges: Validation of the Body Image Coping Strategies Inventory*. *Journal of Psychosomatic Research*, 58, 191-199.

Claes, L., Luyckx, K ., & Bijttebier, P. (2014). *Non-suicidal self-injury in adolescents: Prevalence and associations with identity formation above and beyond depression*, *Journal of Personality and Individual Differences*, 61, 101-104.

Dumas, T. M., Ellis, W. E., & Wolfe D. A. (2012). *Identity development as a buffer of adolescent risk behaviors in thecontext of peer group pressure and control*. *Journal of Adolescence*, 35, 917-927.

Farrar, S., Stopa, L, Turner H. (2015). *Self-imagery in individuals with high body dissatisfaction: The effect of positive and negative self-imagery on aspects of the self-concept*. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 46, 8-13.

Ferron, C., Narring, F., Cauderay, M., & Michaud. P. A. (1999). *Sport activity in adolescence: associations with health perceptions and experimental behaviours*. *Journal of Health Education Research*,14(2), 225-233.

Fredrickson, B. L., & Roberts, T. (1997). *Objectification theory: Toward understanding women's lived experiences and mental health risks*. *Journal of Psychology of Women Quarterly*, 21, 173-206.

Gadbois, S., & Bowker, A. (2007). *Gender Differences in the Relationships Between Extracurricular Activities Participation, Self-description, and Domain-specific and General Self-esteem*. *Sex Roles* 56:675-68. DOI10.1007/s11199-007-9211-7.

Hartup, W. W. (1975). *The origins of friendships*. In M. Lewis & L.A. Rosenblum (eds.), *Friendship and Peer Relations* (pp.11-26). New York: John Wiley.

Horning S. M., Davis, H. P., Stirrat, M., & Cornwell, R. E. (2011). *Atheistic, agnostic, and religious older adults on well-being and coping behaviors*, *Journal of Aging Studies*, 25 (2), 177-188.

Kelly, H. (2004). *The Relationship between Physical Self-Concept, Body Image Dissatisfaction and Competition Anxiety in Female "Aesthetic" and "Non-*

*Aesthetic" Collegiate Athletes. Thesis for the degree of Master of Science, Florida State University College of Education.*

Kosari, M. (2004). *Causes the opposite sex with girls students in secondary school education, school district 18 in Tehran and offer solutions to the problem, Thesis Guidance and counseling advice, Allameh Tabatabai University. [Persian]*

Kroger, J. (2005). *Identity development during adolescence [Blackwell Reference Online]. In G. R. Adams, & M. D. Berzonsky (Eds.), Blackwell handbook of adolescence. Blackwell Publishing. doi:10.1111/b.9781405133029.2005.00012.x.http://www.blackwellreference.com/subscriber/tocnode?id/4g9781405133029\_chunk\_g978140513302912 Retrieved August 2010.*

Marsh, H. W. (1994). *The importance of being important: Theoretical models of relations between specific and global components of physical self-concept. Journal of sport and exercise psychology, 16, 306-325.*

Marcia, J. E. (1966). *Development and validation of ego identity status. Journal of Personality and Social Psychology, 3, 551-558.*

Olson, M. M., Trevino, D. B., Geske, J. A., & Vanderpool, H. (2012). *Religious Coping and Mental Health Outcomes: An Exploratory Study of Socioeconomically Disadvantaged Patients. The Journal of Science and Healing, 8(3), 172-178.*

Seiffge-Krenke, I., Shulman, S., & Klessinger, N. (2001). *Adolescent precursors of romantic relationships in young adulthood. Journal of Social and Personal Relationships, 18, 327-346.*

Salazar, L. F., DiClemente, R. J., Wingood, G. M., Crosby, R. A., Harrington, K., Davies, S., Hook EW 3rd, Oh MK. (2004). *Self-concept and adolescents' refusal of unprotected sex: a test of mediating mechanisms among African American girls. Journal of Prev Sci. 5(3):137-49.*

Shavelson, R. J., Hubner, J. J., & Stanton, G. C. (1976). *Self-concept: Validation of construct interpretations. Journal of Review of Educational Research, 46, 407-411.*

Sinha, J. W., Cnaan, R. A. & Gelles, R. J. (2007). *Adolescent risk behaviors and religion: findings from a national study. Journal of Adolescence, 30(2), 231-249.*

Tarrant, M., MacKenzie, L., & Hewitt, L. A. (2006). *Friendship group identification, multidimensional self-concept, and experience of developmental tasks in adolescence. Journal of Adolescence, 29(4), 627-640.*

Vater, A., Schrboder-Abe, M., Weibgerber, S., Roepke, S., & Schütz, A. (2015). *Self-concept structure and borderline personality disorder: Evidence for negative compartmentalization, Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry, 46, 50-58.*

White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). *The Identity Style Inventory: A Revision with a Sixth-grade Reading Level (ISI-6G). Journal of Adolescent Research, 13(2), 223-245.*